

علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و دوم، شماره ده، دی ماه ۹۹

بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بورديو در مسکن

معاصر (مطالعه موردی: زوج‌های جوان منطقه دو شهر قزوین)^۱

رعنا ابازی^۲

مریم ارمغان^{۳*}

armaghan@qiau.ac.ir

شیدا خوانساری^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۴

چکیده

زمینه و هدف: ساختار مسکن در طول تاریخ، همواره در حال شکل‌پذیری و تحول بوده و از هزاران پدیده و عوامل مختلف تأثیر پذیرفته است. شیوه زندگی و سلیقه زیبایی‌شناسی که مصداق فرهنگ زندگی هستند، به کالبد معماری شکل می‌دهند. خانه، مکان شکل‌گیری و نمایش فرهنگ است و اساسی‌ترین فضایی است که هر انسانی، بودن در آن را تجربه می‌کند. پژوهش حاضر به دنبال چگونگی تأثیر فرهنگ زندگی در معنای کلی و سبک زندگی در معنای خاص بر نظام اشیای خانگی (ذهنی و کارکردی) از دیدگاه بورديو می‌باشد. روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع کیفی، توصیفی و تحلیلی محسوب می‌شود. جامعه آماری، زوج‌های جوان ساکن در مجتمع‌های مسکونی منطقه دو شهری قزوین می‌باشند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۳۱۰ نفر از آن‌ها به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و پس از اطمینان از پایایی و روایی آن، در جامعه نمونه توزیع گردید. جهت تجزیه و تحلیل از روابط همبستگی و رگرسیون در نرم‌افزار Spss22 استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین سبک زندگی افراد و نظام اشیای خانگی آن‌ها در جامعه نمونه می‌باشد. بحث و نتیجه‌گیری: طبق تحلیل‌های به نظر می‌رسد که "مد" و آنچه به‌عنوان الگوی همگانی در یک جامعه فراگیر می‌شود می‌تواند نقش زیادی در نظام اشیای کارکردی خانه داشته باشد. این سلیقه همگانی می‌تواند در انتخاب رنگ‌ها، مبلمان، نوع چیدمان، نوع انتخاب

۱- مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رعنا ابازی با عنوان "تبیین ترجیحات (سلیقه) خانگی بر اساس بررسی تأثیر سبک زندگی بر ساختار فضا و نظام اشیای خانگی" می‌باشد که با راهنمایی خانم دکتر مریم ارمغان و مشاوره خانم دکتر شیدا خوانساری در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین به انجام رسیده است.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۳- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. * (مسئول مکاتبات)

۴- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Archive of SID

وسایل کارکردی و موارد بسیار دیگر تأثیر بگذارند. همچنین نوع ساختار خانواده از نظر سنتی بودن و یا اعتقادات مذهبی می‌تواند بر استفاده از اشیای ذهنی در خانه مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: طبقه اجتماعی، سبک زندگی، نظام اشیای خانگی، دیدگاه بورديو، قزوین.

Studying the relation between life style and household objects system from the perspective of Bourdieu in contemporary housing (Case Study: the young couples living in district two, Qazvin)¹

Rana Ayazi²
Maryam Armaghan^{3*}
armaghan@qiau.ac.ir
Sheida Khansari⁴

Admission Date: November 27, 2019

Date Received: May 6, 2019

Abstract

Background and Objective: housing structure has been constantly forming and changing during history and has been influenced by thousands of phenomena and factors. Life style and aesthetic taste as evidences of living culture form the architecture framework. House, is the place of the formation and presentation of culture and is the most basic space in which every individual experiences his being. The present study is following the effect of living culture in general and life style specifically on household objects system (mentally and functionally) from the perspective of Bourdieu.

Method: the present study is a qualitative research based on descriptive-analytical research method. The population are the young couples living in residential buildings located in district two in Qazvin which 310 persons among them has been chosen randomly. In this study, the researcher's questionnaire has been used after making sure of its reliability and justifiability and then has been distributed among sample. In order to analyze the data, correlation and regression in spss 22 soft ware has been utilized.

Findings: results of the study have shown that there is a positive and meaningful relation between the individuals' life style and theirs household object system in the sample population.

Discussion and Conclusion: According to the analyses, it seems that the "mode", i.e. what becomes fashionable throughout a society as a communal model, can play a major role in the system of functional home appliances. This communal taste can affect the selection of colors, furniture, arrangement, type of functional appliances, etc. The family structure in terms of tradition or religious beliefs may also influence the application of abstract objects at home.

Key words: social class, life style, household objects system, Bourdieu's view, Qazvin.

1- This article is extracted from Rana Ayazi's PhD thesis entitled "Explaining domestic taste due to investigating the impact of life style on the system of domestic objects and the structure of space" at Azad Islamic University, Qazvin Branch, under supervision of Dr. Maryam Armaghan in consultation with Dr. Sheida Khansari.

2- PhD Student of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

3- PhD of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. *(Corresponding Authors)

4- PhD of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

مقدمه

مسکن که در راستای یک‌رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده، صرفاً یک ساختار کالبدی نیست؛ بلکه پدیده‌ای فرهنگی است و هدف آن، ایجاد یک واحد اجتماعی فضایی است. مفهوم مسکن به‌عنوان کانون زندگی خانوادگی برای انسان در زمان و مکان، همواره متفاوت بوده و این مفهوم تابع انتظارات و توقعات از ساکنان و پاسخ‌های به آن بوده است؛ بنابراین تنوع الگوهای مسکن و معماری برآیند عوامل طبیعی، تاریخی، جغرافیایی، فلسفی، دینی، هنری و زیباشناسی انسان‌هایی است که در یک زمینه تاریخی طولانی، آن‌ها را ابداع و خلق کرده‌اند. از این‌رو، مسکن نیازی است که در زمان و مکان و محیط‌های مختلف، معانی متفاوتی یافته و هر جامعه به فراخور نیازها، استعدادها، امکانات و محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش شکل خاصی بدان بخشیده است. با این دیدگاه بررسی تمامی عوامل یاد شده در راستای شناخت ریشه‌های شکل‌دهنده مسکن در دو مقیاس معماری و معماری داخلی امری ضروری است.

درون فضای خانه بیش‌تر تحت تأثیر خانواده و اعضای آن است تا ساختارهای قدرت در جامعه؛ بنابراین خوانش معماری از طریق شناسایی زندگی و فرهنگ زیست‌کنندگان آن امکان‌پذیر می‌باشد. بحث راجع به فرهنگ و فرهنگ زندگی، واژگان دیگری را نیز در ذهن پررنگ می‌سازد، از جمله شیوه زندگی و سبک زندگی. سبک زندگی که در نظامی از عناصر، دارایی‌ها، رفتارها و ظواهر آشکار می‌شود، می‌تواند بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایش با دیگر سبک‌های زندگی شناسایی گردد. «سبک‌های زندگی محصولات سیستماتیک ریختار هستند که در روابط متقابلشان و به کمک شاکله‌های ریختار درک می‌شوند و به نظام‌های نشانه‌ای تبدیل می‌شوند و به‌صورت اجتماعی مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌گیرند» (۱).

ادوارد هال از اصطلاح هم‌جواری‌ها برای مدیریت تبیین مشاهدات و تئوری‌های مرتبط به استفاده انسان از فضا استفاده نموده است. از نظر او هم‌جواری‌ها به‌عنوان جلوه‌ای خرد فرهنگ دارای سه جنبه اصلی می‌باشند: سیمای ثابت، سیمای نیمه ثابت و بی‌شکل (۲).

این تحقیق قصد دارد جنبه‌هایی از سبک زندگی و ارتباط آن با نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو^۱ (کارکردی و ذهنی) در معماری داخلی مسکونی را تبیین نماید. در این راستا می‌بایست انتظام نظام اشیا در نمونه‌های موردی بررسی گردد تا سبک زندگی و ارتباط آن با دو عامل یاد شده در تعامل باسلیقه (ذائقه یا ترجیحات) مفهوم‌پردازی شود و شاخص‌های شکل‌دهنده این سلیقه (ترجیحات ساکنان) و میزان تأثیر آن‌ها به دست آید.

پژوهش حاضر به دنبال چگونگی تأثیر فرهنگ زندگی در معنای کلی و سبک زندگی در معنای خاص (به‌عنوان متغیر مستقل) بر نظام اشیای خانگی (به‌عنوان متغیر وابسته) می‌باشد. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان پرسش اصلی تحقیق را این‌گونه بیان کرد:

شاخصه‌های شکل‌دهنده سبک زندگی در مسکن معاصر چیست و چه رابطه‌ای بین آن‌ها و نظام اشیای خانگی وجود دارد؟

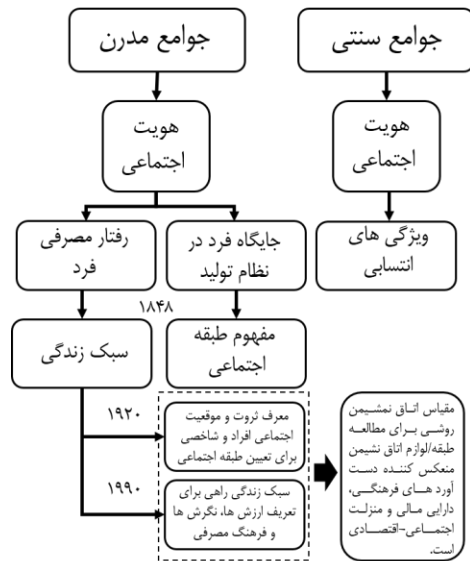
پیشینه ی تحقیق

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص این موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شصتی و فلامکی، ۱۳۹۳ به بررسی رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی از رهگذر مفاهیمی چون فردیت ایرانی و زندگی روزمره پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در شمار قابل توجهی از نمونه‌ها، مسئله عدم همگونی و آشفتگی در فردیت و سبک زندگی که ریشه در خاستگاه تاریخی و اجتماعی دارد، بر شکل و کالبد مسکن تأثیر گذاشته است.

- ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶ به بررسی بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تغییرات سبک زندگی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سبب تغییر معماری خانه‌های شهر همدان بوده. این تغییرات در معماری خانه‌های طبقه اعیانی و تجار و در قالب تحول در عرصه‌های کلان (سادگی فرم و حذف حیاط‌های چندگانه ...)،

1- Pierre Bourdieu



نمودار ۱- رابطه هویت اجتماعی و طبقه اجتماعی و

سبک زندگی

Diagram 1. The relationship between social identity and social class and lifestyle

مؤلفه های سبک زندگی

سبک زندگی هر فرد متأثر از دو عامل عمده است: شخصیت فرد و ویژگی های محیط. این ویژگی ها به طرق مختلفی بر سبک زندگی افراد اثر می گذارند. به عنوان مثال، افراد درون گرا و برون گرا سبک های متفاوتی در زندگی دارند؛ اما عامل مهمی که می تواند در سراسر عمر بر سبک زندگی افراد تأثیر بگذارد، ویژگی ها و شرایط محیطی است، از جمله: فقر، اوضاع سیاسی - اقتصادی جامعه، ویژگی ها و شرایط خانوادگی، فقدان پدر، مادر و یا همسر، جنگ و غیره (۹).

در زمینه شاخص های شناخته شده سبک زندگی می توان به فعالیت های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه و غیره اشاره کرد که هر کدام به منزله شاه راهی از زندگی افراد محسوب می شوند. یکی از راه های درک بهتر مفهوم «سبک زندگی»، بررسی عناصر و مؤلفه هایی است که برای سبک زندگی در نظر گرفته شده اند (۱۰). در ادامه به دلیل وسعت مطالب در این حوزه به بررسی نظریات نظریه پردازان داخلی و خارجی در خصوص مؤلفه های سازنده سبک زندگی پرداخته می شود.

میانی (سازمان دهی داخلی) و خرد فضا (اهمیت نمادین عناصر معماری) صورت گرفته است.

-کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷ به بررسی تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی (آشپزخانه) در حدفاصل سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه.ش پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان داد که شاخص های مربوط به جنسیت در این دوره باعث تساوی زن و مرد به ویژه در طبقات متوسط و مرفه اجتماع شده است که به تبع آن، فضاهای اندرونی و بیرونی به تدریج حذف و آشپزخانه از گوشه حیاط و زیرزمین به داخل خانه منتقل شده و به عنوان یک فضای بینابین در ارتباط با سایر فضاها قرار گرفته است.

مطالعه حاضر با توجه به پیشینه ذکر شده به بررسی رابطه بین شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو می پردازد که به نظر می رسد در تحقیقات قبلی مورد بررسی قرار نگرفته.

ادبیات تحقیق

سبک زندگی

"سبک زندگی" در ادبیات موجود علوم اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید است. بعضاً پدیدار شدن "سبک زندگی" را در زمره اختصاصات "جامعه مدرن متأخر" قلمداد می کنند (۳). در ادبیات جامعه شناسی، از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و دو گونه مفهوم سازی متفاوت به عمل آمده است. در برداشت نخست که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ بازمی گردد سبک زندگی، نشانگر ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است. در تلقی دوم، (۱، ۴-۷) سبک زندگی، نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می یابد. در این معنا سبک زندگی، راهی برای تعریف ارزش ها، نگرش ها و رفتارهای (هویت) افراد است که اهمیت آن برای تحلیل های اجتماعی روز به روز افزایش می یابد (۸).

نظریه پردازان داخلی

سید علی هاشمیان فر در مقاله خود تحت عنوان " بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان: با تأکید بر نظریه عرفی شدن" در یک مدل مفهومی شاخص‌های سبک زندگی را اهمیت بدن، مصرف اجتماعی و اوقات فراغت می‌داند. وی اهمیت بدن را با دو زیر شاخص الگوی انتخاب لباس، تزئین بدن و مصرف اجتماعی را با دو زیر شاخص خرید فراغتی، مصرف فرهنگی و اوقات فراغت را سرگرمی مجازی، میدان‌های فراغتی نامتعارف (مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی) و ارتباطات خارج از چارچوب خانواده بازمی‌شناسد (۱۱).

نفیسه حمیدی و مهدی فرجی در مقاله: سبک زندگی و پوشش زنان در تهران در نتیجه، نه تیپولوژی شیوه‌های مختلف پوشیدن (به‌عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی) و به‌تبع آن دو گونه سبک زندگی را معرفی می‌کنند: سبک زندگی مبتنی بر تمایز و سبک زندگی مبتنی بر هویت (۱۲). در ادامه پژوهش حاضر می‌توان از چنین دسته‌بندی‌های جهت تفکیک سبک‌های زندگی شکل گرفته از سلیقه‌های خانگی متفاوت استفاده کرد. در مقاله " سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان" سه شاخص پایه برای سبک زندگی عنوان می‌شود: شاخص مصرف فرهنگی، شاخص فعالیت‌های فراغت و شاخص‌های پراکنده. در بخش سوم ویژگی‌های خرید (که در تعیین سبک زندگی مؤثرند) به ترتیب اولویت مد، زیبایی، قیمت، رنگ، راحتی، مارک، جنس و دوام عنوان شده. بخشی از این موارد در واقع می‌توانند شاخص‌های شکل‌دهنده سلیقه خانگی و در ادامه سبک زندگی باشند. در بحث شاخص مصرف فرهنگی نیز به سلیقه افراد در مصرف فرهنگی اشاره می‌شود (۱۳).

در مقاله "از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی" یوسف ابادری در پایان عنوان می‌کند اگرچه سبک‌های زندگی بر مبنا ذائقه‌ها و ارزش‌های شخصی شکل می‌گیرند، اما می‌توان انتظار داشت که الگوهای قابل تشخیصی داشته باشند که با ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی همخوانی داشته باشد؛ بنابراین دیدگاه

سوبل^۱ را می‌پذیرد که در آن سبک زندگی عبارت است از هر شیوه متمایز و قابل تشخیص زیستن. در نهایت نیز تأکید می‌کند آرزوها و انتظارات مرسوم در انتخاب‌های سبک زندگی در متن تاریخ فرهنگی و اجتماعی دنیای مدرن قابل فهم است (۱۴). محمد سعید مهدوی کنی در مقاله خود تحت عنوان "مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی" در نتیجه عنوان می‌کند: سبک زندگی با رفتار، دارایی یا پایگاه فرد یا گروه یکسان فرض شده است. اما، بررسی تعریف‌ها نشان می‌دهد. سبک زندگی، عموماً الگوی رفتار، دارایی و پایگاه فرد یا گروه در نظر گرفته می‌شود. اما سؤال این است که آیا سبک زندگی تنها الگوی رفتاری عینی و اعیان خارجی است یا شامل رفتار درونی و ذهنیات انسان (معناها) نیز می‌شود. برخی از تعریف‌ها صراحت لازم برای پاسخ‌گویی به این سؤال را ندارند اما با نگاهی نسبتاً تقلیل‌گرایانه و با کمی تسامح می‌توان زیمل را به‌عنوان نزدیک‌ترین دیدگاه به آن سوی طیف قلمداد کرد که بر عینی بودن سبک زندگی تأکید دارد و پس از او، بورديو، لسلی، لیزر، مک‌کی و کلاکھون را می‌توان نام برد. در سر دیگر طیف باید از آدلر نام برد که سبک زندگی را کم‌وبیش حاصل خوی‌ها و منش‌ها می‌داند و در میانه باید از ولبن و وبر و سپس ونزل و گیدنز یاد کرد که هم بر عینی و هم ذهنی بودن سبک زندگی تأکید دارند (۱۵).

پژوهش حاضر بیشتر با دیدگاه نظریه‌پردازانی نظیر زیمل، بورديو، لسلی، لیزر، مک‌کی و کلاکھون منطبق است. با این دیدگاه سبک زندگی دارای نمودهای عینی است که در صورت بررسی ذهنیات مؤثر در شکل‌گیری آن را عیان می‌سازد، این ذهنیات شاخص‌های ترجیحات و سلیقه است؛ بنابراین برای دستیابی به سلیقه خانگی از عینیات به ذهنیات سیر می‌شود.

نظریه پردازان خارجی

نخستین بار لیزر در سال ۱۹۶۳ سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کرد. به نظر وی سبک زندگی دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه و گروه اجتماعی است. شیوه‌ای که بدان طریق مصرف‌کننده خرید می‌کند و شیوه‌ای که بدان

1- Michael E. Sobel

کار گرفت. «سبک زندگی» وبر، در درون اصطلاح دیگری به نام «فرصت‌های زندگی» نهفته است. هر دو بعد «سبک زندگی» و «فرصت‌های زندگی» از جمله پیامدهای قشربندی اجتماعی محسوب می‌شوند (۲۱).

سبک زندگی از دیدگاه بوردیو^۴

بوردیو سبک زندگی را فعالیت‌های نظام مندی میداند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی میشود و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت میبخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد میکنند. معنا یا به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ میشود (۱). وی در جای دیگر میگوید: "سبک زندگی دارایی‌هایی است که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن، از دیگران تمایز میبخشند" (۱) آرای بوردیو جمع‌بندی مناسبی برای مباحث نظری پژوهش فراهم میسازد. از دیدگاه بوردیو با تغییر در زمینه، ذوق در جهت همگامی با آن حرکت میکند که همگامی بین ذوق و زمینه در عملکرد بازتاب می‌یابد (۲۲). در پژوهش حاضر ذوق (ساختارهای ذهنی) و یا سلیقه خانگی موثر بر فضاهای داخلی مسکونی و به طبع آن عملکرد جامعه نمونه (در بخشی مشخص از شاخص‌های سبک زندگی که همان نظام اشیای و فضای داخلی است) بررسی میگردد.

رابطه بین نظام اشیای و سبک زندگی

در این پژوهش رابطه نظام اشیای (به عنوان یکی از نمودهای عینی سبک زندگی) با عوامل شکل‌دهنده سبک زندگی بررسی میشود تا مشخص شود کدامیک بر ترجیحات افراد و انتخاب آنها موثر بوده. این شاخص‌ها همان شاخص‌های شکل‌دهنده سلیقه در حوزه اشیای خانگی خواهند بود. این مهم که شاخص‌ها چه وزنی دارند و کدامیک مهمتر هستند نیز در این تحقیق مد نظر است. بوردیو در کتاب خود تحت عنوان نظام اشیای ساختارهای چیدمان را در فصل اول با بررسی دیوار، روشنایی، آینه‌ها، پرتره‌ها و ساعت شروع میکند و سعی در

طریق کالای خریداری‌شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است. سوپل نیز تأکید می‌کند که الگوی مصرف مشاهده‌شونده ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است (۱۶). لامونت و همکارانش نیز ضمن تأکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند (۱۷).

از نظر زیمل^۱ مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی از سویی برای فرد هویت‌بخش بوده و از سویی دیگر متمایزکننده است. زیمل در مقاله مُد، دلایل تعدد تغییر مُد در فرهنگ مدرن را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد، مردم سریع‌تر به مدل‌های جدید و متفاوت جذب می‌شوند، زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند (۱۸).

کلاکهورن (۱۹۸۵) سبک زندگی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیق‌تر توسعه‌یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده». در یک جمع‌بندی در مورد شاخص‌های مورد مطالعه سبک زندگی در دهه پنجاه به رفتارهای شخصی مصرفی که حاکی از ترجیحات فردی است اشاره می‌کند مواردی مانند نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه بازی کردن و لباس پوشیدن (۱۹).

ویلیام لیزر^۲ (۱۹۶۴)، سبک زندگی را طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم معرفی می‌کند، نظامی که از تأثیر فرهنگ (ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین) بر نیروهای زندگی در گروه شکل می‌گیرد. او با توجه به تمرکز بر موضوع بازاریابی در جای دیگر سبک زندگی را الگوی رفتاری گروهی می‌داند که در خریدهای مصرف‌کننده و روش‌های مصرف انعکاس یافته است (۲۰).

«وبر»^۳ نخستین کسی بود که اصطلاح «سبک زندگی» را به کاربرد. او بر مبنای تعریف چندبعدی خود از قشربندی اجتماعی و تأکید بر منزلت به عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های قشربندی، اصطلاح «سبک زندگی» را در ارتباط با این بعد به

1- Georg Simmel

2- William Laser

3- Max Weber

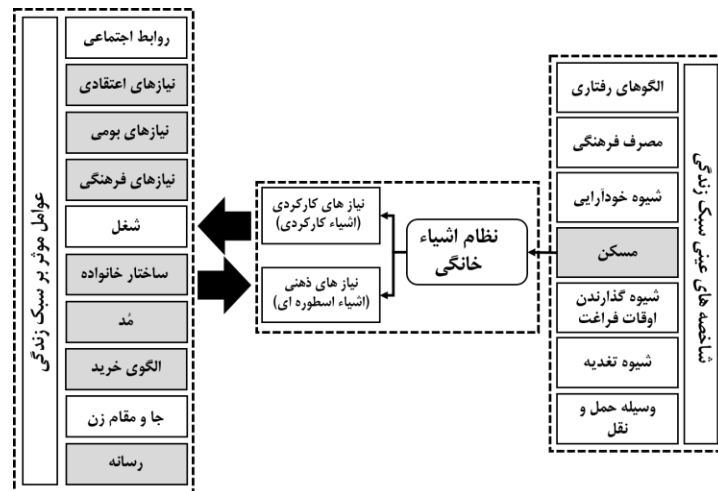
4- Pierre Bourdieu

دو سطح نیازهای کارکردی و معنوی را همزمان پاسخ گوید. اینکه کدام ساختارها بیشتر مورد توجه قرار میگیرند و اینکه هر یک کدامیک از سطوح نیازهای معنوی و کارکردی پاسخ میدهند در این پژوهش مد نظر است تا از این طریق بتوان نه تنها تولید اشیا که نظام فضا را نیز از سری دور کرده و به مدل ها نزدیک نمود.

بنابراین با بررسی ادبیات موضوع در حوزه داخلی و خارجی و در نظر گرفتن اهداف تحقیق و همچنین نوع مولفه های تاثیر گذار بر سبک زندگی که با مبحث معماری و نظام اشیا خانگی نیز مرتبط باشند، هفت شاخصه شکل دهنده سبک زندگی شامل: نیازهای اعتقادی، نیاز های بومی، نیاز های فرهنگی، ساختار خانواده، مُد، الگوی خرید و رسانه انتخاب، و مورد ارزیابی قرار می گیرند (نمودار ۲).

تحلیل جامعه شناختی چیدمان دارد چرا که وی معتقد است ترکیب بندی ائاثیه تصویری وفادارانه از ساختارهای خانوادگی و اجتماعی یک دوره ارایه میدهد. از دیدگاه وی ائاثیه هر کدام کارکرد خاص خود را دارند، اما کلیت یکپارچه ای را شکل میدهند و همانگونه که روابط با خانواده و جامعه تغییر پیدا میکند، سبک اشیای منقول نیز دستخوش تغییر میشود و واقعیت روان شناختی و جامعه شناختی اشیا بایستی مورد توجه قرار گیرند. آنگونه که زبان و گفتار در زبان شناسی از یکدیگر قابل تفکیک میباشند در نظام اشیا، دلالت های عینی و ضمنی شان (که بر اساس آنها روی شی سرمایه گذاری میشود و به بازار عرضه میشود و شخصی میشود و همچنین حالت کاربردی پیدا میکند و وارد نظام فرهنگی میشود) از هم قابل تفکیک نیستند (۲۳).

لازم به توضیح است که در این میان ساختار و نظام فضا و نقش آن در ترجیحات فضایی کاربر فضا در بیشتر متون جامعه شناسی نادیده انگاشته شده. از این رو نظام فضا نیز میتواند در



نمودار ۲- رابطه بین نظام اشیا، سبک زندگی و عوامل موثر بر آن

Diagram 2. The relationship between the object system, lifestyle, and factors affecting it

نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو

زبان و گفتار در زبان شناسی از یکدیگر قابل تفکیک میباشند در نظام اشیا، دلالت های عینی و ضمنی شان (که بر اساس آنها روی شی سرمایه گذاری می شود و به بازار عرضه می شود و شخصی می شود و همچنین حالت کاربردی پیدا می کند و وارد نظام فرهنگی می شود) از هم قابل تفکیک نیستند. بر این اساس

از دیدگاه بوردیو، ائاثیه هر کدام کارکرد خاص خود را دارند، اما کلیت یکپارچه ای را شکل می دهند و همانگونه که روابط با خانواده و جامعه تغییر پیدا می کند، سبک اشیای منقول نیز دستخوش تغییر می شود و واقعیت روان شناختی و جامعه شناختی اشیا بایستی مورد توجه قرار گیرند. آن گونه که

محیط را تعریف می‌کند که همواره نزدیکی و فاصله را یکجا در خود دارد. معماری داخلی در محیط به‌گونه‌ای طراحی شده است که در میان موجودات همان تناوب گرما و سرما و نزدیکی و فاصله موجود میان اشیای سازنده آن را برقرار می‌کند» (۲۳). بنابراین از دیدگاه بورديو، رنگ‌ها، مصالح، فرم‌ها، وسایل کارکردی مانند مبلمان، اثاثیه و غیره همگی در جرگه اشیاء کارکردی قرار می‌گیرند.

اشیای ذهنی (قدیمی یا اسطوره‌ای)

شیء قدیمی با ارجاع به گذشته کاملاً اسطوره‌ای است. این شیء آثار علمی ندارد و کار آن فقط دلالت است. این شیء غیر ساختاری است؛ ساختار را نفی می‌کند و حد نهایی نفع کارکردهای اولیه است. در اینجا با زمان واقعی سروکار نداریم بلکه با نشانه‌ها یا شاخص‌های فرهنگی زمان مواجهیم که شیء قدیمی وظیفه حمل آن‌ها را به دوش می‌کشد؛ بنابراین شیء قدیمی در مسکن معاصر جایگاهی ویژه دارد تا جایی که شیء قدیمی به دفع زمان در محیط می‌پردازد و موجودیتی مانند نشان دارد، فرقی با دیگر عناصر ندارد و در رابطه‌ای نسبی با آن‌ها قرار می‌گیرد. برعکس از آنجا که شیء مزبور دارای کمترین رابطه نسبت با سایر اشخاص بوده و خود را به‌صورت یک کیفیت و در قالب حضوری اصیل در نظر می‌گیرد، جایگاه روانی ویژه‌ای پیدا می‌کند و به واقعیت دیگری تبدیل می‌گردد. اشیاء قدیمی و اثاثیه قدیمی مسی، اشیای استیل یا صاحب سبک، اشیای روستایی، صنایع دستی، سفالگری بومی، فولکلور، تابلوهای خط و همچنین تابلو‌ها و مجسمه‌ها با مفاهیم مذهبی و غیره از همین مهم سرچشمه می‌گیرند (۲۳).
با بررسی ادبیات موضوع، نمودار ۳ به عنوان مدل نظری این تحقیق جهت بررسی رابطه بین مولفه‌های سبک زندگی و نظام اشیاء خانگی ارائه می‌گردد.

بورديو دو دسته کلی اشیاء کارکردی و ذهنی را معرفی می‌کند (۲۳).

اشیاء کارکردی

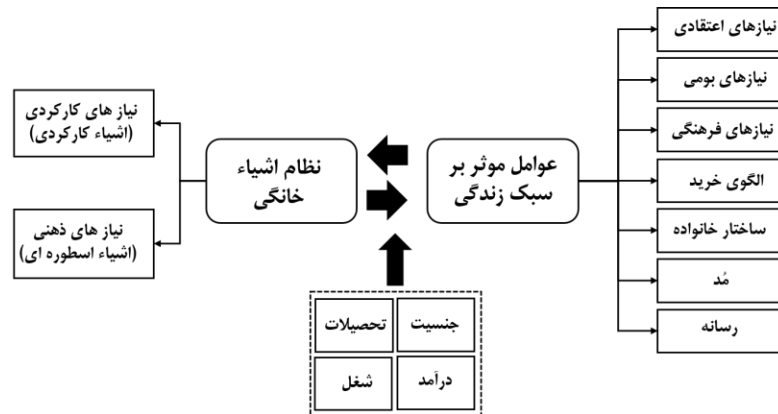
رنگ‌ها، فرم‌ها، مواد، چیدمان فضا همه‌شان کارکردی هستند. کلیه اشیاء می‌خواهند که کارکردی باشند همان‌گونه که کلیه رژیم‌ها می‌خواهند دمکراتیک باشند. اشیای کارکردی را از دیدگاه بورديو می‌توان در دو گروه کلی زیر دسته‌بندی کرد:

ساختارهای چیدمان

ترکیب‌بندی اثاثیه تصویری وفادارانه از ساختارهای خانوادگی و اجتماعی یک دوره را ارائه می‌دهند. اثاثیه هرکدام کاربرد خاص خود را دارند اما کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که همگی بر اساس چیدمان خاصی در خانه قرار می‌گیرند. هر قطعه هدف مشخصی دارد که با کارکردهای مختلف خانواده مرتبط است. اثاثیه حول محوری سامان می‌یابند که ضامن ترتیب زمانی منظم رفتارهاست؛ یعنی حضور نمادین خانواده. چیدمان این وسایل فضای خاصی را شکل می‌دهد که چندان به نظم و ترتیب عینی توجه نشان نمی‌دهد زیرا نخستین کارکرد اشیاء، شخصیت بخشیدن به روایت انسانی، اشغال فضای مشترک و برخورداری از روح است (۲۳).

ساختارهای محیطی

ساختار محیطی، رنگ‌ها، مصالح، فرم‌ها و غیره را در برمی‌گیرد. به‌طور سنتی رنگ دارای اشارات روانی و اخلاقی است. هرکس رنگ مخصوص به خودش را دارد یا اینکه رنگ خود را به محیط تحمیل می‌کند، همچنین رنگ ممکن است خاص نوعی ماده چوب، چرم، پارچه و غیره باشد. همین تحلیل در مورد مصالح نیز مصداق دارد؛ به‌طور مثال چوب را در نظر بگیرید که امروزه به خاطر نوستالژی عاطفی بسیار گران می‌باشد؛ زیرا ماده‌اش را از زمین می‌گیرد، زندگی می‌کند، تنفس می‌کند و کار می‌کند. «تحلیل رنگ‌های مسئله ما را به چند نتیجه رهنمون می‌سازد؛ تناوب نظام‌مند گرم و سرد در آن‌ها در نهایت مفهوم



نمودار ۳- مدل نظری تحقیق

Diagram 3.Theoretical Model of Research

روش بررسی

جامعه آماری، فنون گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

کروناخ برابر ۰/۹۳۳ پایایی مطلوبی را برای سؤالات نشان می‌داد.

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی پژوهش، حاکی از آن است که از مجموع ۳۱۰ نفر پاسخگویان، ۶۳/۵ درصد زن و ۳۶/۵ درصد آن‌ها مرد هستند. اکثر پاسخ‌گویان دارای تحصیلات لیسانس می‌باشند. به لحاظ میزان تحصیلات به ترتیب ۶/۸ درصد دیپلم و پایین‌تر، ۴۳/۵ درصد لیسانس، ۳۸/۷ درصد فوق‌لیسانس و ۱۱ درصد دکتری بودند. از نظر سطح درآمد، میزان درآمد اکثر افراد بین ۱ تا ۳ میلیون بود. در این خصوص به ترتیب، ۱ تا ۳ میلیون ۷۳/۰۰ درصد، ۳ تا ۶ میلیون ۲۲/۰۰ درصد و ۵ درصد بین ۶ تا ۹ میلیون گزارش شد، که نشان از توان تقریبی جامعه آماری از نظر اقتصادی دارد. از نظر مالکیت نیز، ۳۱/۹ درصد پاسخ‌دهندگان دارای منزل استیجاری و ۶۸/۱ درصد دارای منزل شخصی بودند. در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در مؤلفه‌های سبک زندگی و نظام اشیای خانگی ارائه شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ در جامعه مورد مطالعه، از بین مؤلفه‌های سبک زندگی، نیازهای اعتقادی (۲/۱۴) و رسانه (۱/۱۲) به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین نمرات را دارند. نظام اشیای ذهنی و کاربردی

روش‌شناسی این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و ماهیت توصیفی-تحلیلی دارد. استراتژی مورد استفاده پیمایش است که به شیوه کمی و با استفاده از پرسشنامه محقق شده. جامعه آماری این پژوهش زوج‌های جوان منطقه ۲ شهری قزوین می‌باشند که برای بررسی فرضیات تحقیق انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. به طوری که حجم نمونه در حدود ۳۵۳ نفر به دست آمد ولی به این دلیل که روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد، لازم است که به ملاحظات موجود در رابطه با تعیین حجم نمونه در این روش نیز توجه شود. همچنین بر اساس یک قانون دیگر بیان شده که تجزیه و تحلیل قابل قبول مستلزم گروه نمونه‌ای است که حجم آن دست‌کم ۱۰ یا ۲۰ برابر عده متغیرها باشد که در ماتریس همبستگی وارد شود. لذا با توجه به موارد بالا ۳۲۵ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت ۳۱۰ عدد آن‌ها بازگشت داده شد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و روابط همبستگی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار "SPSS22" انجام شده است. پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته و دارای ۲۹ سوال بود که تاثیر متغیرها را می‌سنجید. تعیین پایایی و روایی سؤالات در تحقیق حاضر، با روش آلفای کروناخ صورت گرفت. عدد آلفای

جدول ۱ مشاهده می‌شود بین مؤلفه‌های سازنده سبک زندگی و نظام اشیای خانگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r=0.716$; $p<0/000$)؛ بنابراین فرضیه اصلی این پژوهش تایید می‌شود.

نیز به ترتیب دارای میانگین نمرات (۲/۰۰) و (۱/۹۴) در این نمونه می‌باشند.

یافته‌های تحلیلی

سوال اصلی این تحقیق، بررسی رابطه معنی‌داری بین رابطه سبک زندگی و نظام اشیای خانگی می‌باشد. همان‌طور که در

جدول ۱- ضرایب همبستگی ساده بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی

Table 1. Simple correlation coefficient between lifestyle and home objects system

متغیر	متغیر وابسته	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)	تعداد نمونه (n)
سبک زندگی	نظام اشیای خانگی	۰/۷۱۶	۰/۰۰۰	۳۱۰

آزمون هم خطی با دو شاخص ضریب تحمل و عامل تورم واریانس انجام شد. در پیش‌بینی نظام اشیای خانگی از طریق مؤلفه‌های سبک زندگی، ارزش عددی آزمون‌های دوربین/واتسون (۱/۶۷) کوچک‌تر از ۴ بود که حکایت از رعایت مفروضه استقلال خطاها برای تحلیل رگرسیون دارد.

در ادامه جهت بررسی سهم شاخصه‌های سبک زندگی در نظام اشیای خانگی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده شد؛ اما برای استفاده از مدل رگرسیون لازم است پیش‌فرض‌های استفاده از آن، مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور آزمون دوربین/واتسون برای بررسی استقلال خطاها و

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار شاخصه‌های شکل دهنده سبک زندگی و نظام اشیای خانگی

Table 2. Simple correlation coefficient between lifestyle and home objects system

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	تعداد
نیازهای اعتقادی	۲/۱۴	۰/۵۲	۰/۷۵	۳/۷۵	۳۱۰
نیازهای بومی	۱/۸۶	۰/۹۰	۰	۴/۰۰	
نیازهای فرهنگی	۱/۱۸	۰/۹۹	۰	۵/۰۰	
الگوی خرید	۱/۵۲	۰/۷۹	۰	۴/۰۰	
ساختار خانواده	۲/۰۱	۰/۶۳	۰/۳۳	۳/۳۳	
مد	۱/۶۲	۰/۷۳	۰	۴/۰۰	
رسانه	۱/۱۲	۰/۸۱	۰	۳/۳۳	
اشیای کارکردی	۱/۹۴	۰/۷۲	۰	۳/۶۷	
اشیای ذهنی	۲/۰۰	۰/۷۶	۰	۴/۰۰	

استیونس (۲۰۰۲) به نقل از (میرز، گامست، ۲۰۰۶) مقادیر VIF بزرگ‌تر از ۱۰ را حاکی از هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین می‌داند، سایر مشخصه‌های تحلیل‌های رگرسیون در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

همچنین شاخص‌های هم خطی بودن نیز نشان داد بین متغیرهای پیش‌بینی هم خطی وجود ندارد. به‌گونه‌ای که مقادیر شاخص تحمل (۰/۳۳-۰/۴۸) کمتر از ۱ و مقادیر شاخص تورم واریانس (۳/۱۶-۱/۱۸) کمتر از ۱۰ بود که حکایت از رعایت مفروضه عدم هم خطی بین متغیرها داشت.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون نظام اشیاء خانگی از طریق شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی

Table 3 Results of Regression Analysis of the Home Objects System through Lifestyle Shape Indicators

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	SEe	Beta	مقدار t	تعداد نمونه (n)
نظام اشیای خانگی	نیازهای اعتقادی	۰/۶۲	-۰/۰۶۶	-۱/۴۳۶	۳۱۰
	نیازهای بومی	۰/۰۴۵	۰/۳۴۱	۶/۰۰۶	
	نیازهای فرهنگی	۰/۰۳۶	۰/۱۵۲	۲/۹۷۸	
	الگوی خرید	۰/۰۴۹	۰/۳۷۱	۶/۷۷۱	
	ساختار خانواده	۰/۰۵۲	-۰/۰۵۸	-۱/۲۴۲	
	مد	۰/۰۴۶	۰/۱۷۰	۳/۵۲۲	
	رسانه	۰/۰۴۹	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱۴	
تابع پیش بینی	نیازهای فرهنگی $+۰/۱۰۸$ ساختار خانواده $+۰/۶۵$ - نیازهای مذهبی $-۰/۰۹۰$ - $+۰/۹۰۲$ Perf = الگوی خرید $+۰/۳۳۰$ نیازهای بومی $+۰/۲۶۸$ مد $+۰/۱۶۴$ رسانه $-۰/۰۰۱$				

به مؤلفه‌های سبک زندگی بالاتر باشد، میزان توجه آن‌ها به نظام اشیای ذهنی افزایش می‌یابد. بالاترین میزان همبستگی در رابطه "ساختار خانواده" با اشیای ذهنی ($r=0.664$; $\text{sig}=0.00$) همچنین ضریب همبستگی "نیازهای بومی" با اشیای ذهنی ($r=0.640$; $\text{sig}=0.00$) نشان دهنده همبستگی بالا و مثبت می‌باشد. در میان مؤلفه‌ها، "نیازهای اعتقادی" ($r=0.296$; $\text{sig}=0.00$) کمترین میزان همبستگی را با نظام اشیای ذهنی دارد.

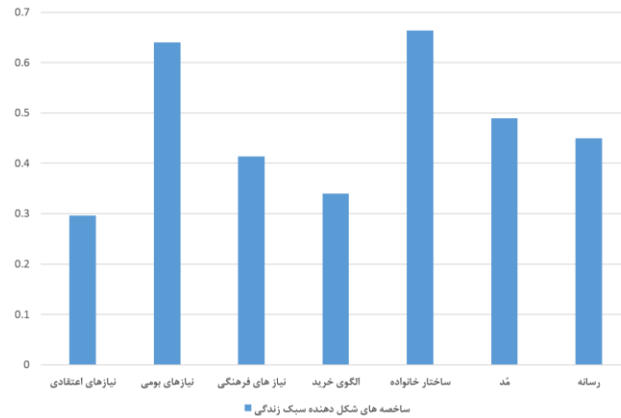
در مرحله بعد با توجه به فرضیات تحقیق به بررسی همبستگی بین معیارهای سبک زندگی و اشیای ذهنی و اشیای کاربردی می‌پردازیم.

این مرحله از پژوهش می‌تواند تصویر روشنی از رابطه هر کدام از مؤلفه‌های سبک زندگی با نظام اشیاء خانگی به دست دهد. جدول ۴ ضریب همبستگی هر یک از ابعاد سبک زندگی را با اشیای ذهنی نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌گردد بین میزان کل سبک زندگی و اشیای ذهنی رابطه مثبت معنادار ($۰/۶۷۰$) وجود دارد. این بدان معناست که هر چه میزان توجه

جدول ۴- آزمون روابط همبستگی بین شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و اشیاء ذهنی

Table 4. Testing the Correlation Relationships between Lifestyle Indicators and Mental Objects

متغیر مستقل (سبک زندگی)	متغیر وابسته (نظام اشیاء)	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)	تعداد نمونه (n)
سبک زندگی کل	اشیای ذهنی	۰/۶۷۰	۰/۰۰۰	۳۱۰
		۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	
		۰/۶۴۰	۰/۰۰۰	
		۰/۴۱۴	۰/۰۰۰	
		۰/۳۴۰	۰/۰۰۰	
		۰/۶۶۴	۰/۰۰۰	
		۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	
		۰/۴۵۰	۰/۰۰۰	
نیازهای اعتقادی				
نیازهای بومی				
نیازهای فرهنگی				
الگوی خرید				
ساختار خانواده				
مد				
رسانه				



نمودار ۴- نتایج روابط همبستگی بین شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و اشیای ذهنی

Diagram 4. The results of the correlation relationships between lifestyle shaping indicators and mental objects

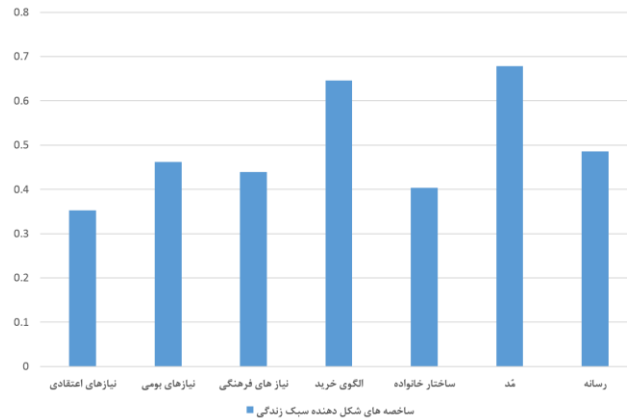
جدول ۵. آزمون روابط همبستگی بین شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و اشیای کاربردی

Table 5. Testing the correlation relationships between lifestyle shaping indicators and functional objects

متغیر مستقل (سبک زندگی)	متغیر وابسته (نظام اشیا)	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)	تعداد نمونه (n)
سبک زندگی کل	اشیای کاربردی	0.702	0.000	310
		0.353	0.000	
		0.462	0.000	
		0.439	0.000	
		0.646	0.000	
		0.403	0.000	
		0.678	0.000	
		0.486	0.000	

رابطه "مُد" با اشیای کاربردی ($r=0.678$; $sig=0.00$) می باشد و بعد از آن "الگوی خرید" ($r=0.646$; $sig=0.00$) در میان مؤلفه ها، "نیازهای اعتقادی" ($r=0.353$; $sig=0.00$) کمترین میزان همبستگی را با نظام اشیای کاربردی دارد.

جدول ۵ ضریب همبستگی هر یک از ابعاد سبک زندگی را با اشیا کاربردی نشان می دهد. چنانکه مشاهده می گردد بین میزان کل سبک زندگی و اشیای کاربردی رابطه مثبت معنادار (0.702) وجود دارد. این بدان معناست که هر چه میزان توجه به مؤلفه های سبک زندگی بالاتر باشد، میزان توجه آن ها به نظام اشیا کاربردی افزایش می یابد. بالاترین میزان همبستگی در

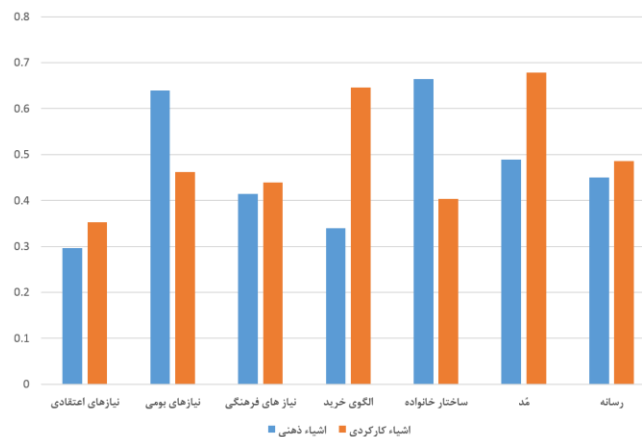


نمودار ۵- نتایج روابط همبستگی بین شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و اشیاء کاربردی

Diagram 5. Results of correlation relationships between lifestyle shaping indicators and functional objects

الگوی خرید نیز در جوامع امروزه با توجه به طیف مختلف مراکز خرید (مجتمع های تجاری، بازارچه ها، بازارچه های محلی، مغازه ها) و انواع مختلف شرایط خرید (حضور، اینترنتی، ...) که در اختیار مردم است، می تواند بر انتخاب نوع اشیاء خانگی توسط آن ها تأثیر بگذارد. تحلیل نتایج نشان داد اکثر افرادی که مراکز تجاری بزرگ مراجعه می کنند و به خرید اجناس گران قیمت علاقه دارند، در نظام اشیاء خانگی ترجیح بیشتری بر اشیاء کاربردی دارند.

مد و مدگرایی پدیده ای است که کمابیش در میان همه اقشار جامعه وجود دارد، اما به نظر می رسد در این میان، زوج های جوان بیش از دیگران به مد در ارتباط با خانه خود اهمیت می دهند و مدگرا هستند. امروزه جوانان با گسترش وسایل ارتباط جمعی و فناوری های جدید رایانه ای، ارتباطات گسترده ای با جوامع و فرهنگ های گوناگون یافته اند و موقعیت آن ها در شناخت و فهم ارزش ها، باورها به طور مستقیم بر مسکن و نهایتاً بر نظام اشیاء خانگی آن، تأثیر می گذارد.



نمودار ۶- مقایسه روابط همبستگی شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی در اشیای کاربردی و اشیای ذهنی

Diagram 6. Comparison of the Correlation Relationships of Lifestyle Shape Indicators in Functional and Mental Objects

زندگی در حوزه مسکن می باشد. یافته های تحقیق حاضر نشان داد که نظام اشیای خانگی زوج های جوان شهر قزوین تحت تأثیر سبک زندگی آن ها قرار دارد. طبق یافته های تحقیق، نظام

نتیجه گیری هدف اصلی در تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی در دو حیطه ذهنی و کاربردی (بر اساس دیدگاه بوردیو) و همچنین شناسایی عوامل سازنده سبک

شدیدی را به دنبال دارد. عمده هزینه و تفکر فرد صرف موضوعی می شود که ریشه دار نیست. در پدیده مُد و مُدگرایی تفاوت فرهنگ ها و جوامع در نظر گرفته نمی شود و جریان با ساختاری یکسان در جوامع مختلف وارد می شود. در نتیجه در بعضی فرهنگ ها و جوامع، جریان مد قابل قبول نیست و افرادی که از آن پیروی می کنند ناچارند وقت و هزینه گزافی را بپردازند. مد بدون توجه به تمامی ابعاد زندگی اجتماعی تعیین می شود و ماندگاری لازم را ندارد و از این دیدگاه نیاز به بررسی های آسیب شناسی جامعه شناسانه خواهد داشت. شیما شصتی در مقاله "رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی: با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران" سبک زندگی در ایران را بر مبنای تجمل و چشم و هم چشمی دانسته و آن را پدیده ای عاداتی و نه عقلایی میداند، به نظر میرسد این عوامل بخشی از عوامل تاثیر گذار بر سبک زندگی بوده و در کنار آن ساختار خانواده و نیازهای بومی که در ارتباط با اشیا ذهنی هستند و ریشه در هویت و اصالت دارند فاکتورهای ماندگاری هستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل میشوند و با شناخت این عوامل و لایه های زیرین وابسته در هر حوزه زمانی و مکانی خاص، تولید اشیا هدفمند خواهد شد.

"الگوی خرید" مؤلفه‌ی دیگری است که بیشترین همبستگی را با اشیا کارکردی دارد. به نظر می‌رسد که شیوه خرید کردن و نوع کالاهای خریداری شده و تفاوت در مراجعه به مکان‌های خرید (مجموع‌های تجاری، بازارچه‌ها، بازارهای محلی)، ارتباط معناداری با انتخاب اشیا کارکردی در مسکن دارد. البته این شاخص زمانی معنادار است که در خصوص کالاهایی به کار برده شود که انواع مختلف آن وجود دارد و برای بخش عمده ای از جامعه دست یافتنی باشد. در این تحقیق نتایج نشان داد اکثر افرادی که به مراکز تجاری بزرگ مراجعه می کنند به خرید اجناس گران قیمت و مارک علاقه دارند، در نظام اشیای خانگی ترجیح بیشتری بر اشیای کارکردی دارند.

اشیای خانگی با اغلب مؤلفه‌های سازنده سبک زندگی دارای رابطه مثبت و معنادار است به گونه‌ای که می‌توان نحوه استفاده از اشیای ذهنی و کارکردی در مسکن را با توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی افراد تبیین کرد. مؤلفه‌های "الگوی خرید"، "مد"، "ساختار خانواده" و "نیازهای بومی" بیشترین نقش را در تبیین ترجیح استفاده از نظام اشیای خانگی (ذهنی و کارکردی) جامعه مورد مطالعه داشتند.

همانگونه که در بالا عنوان شد در مرحله اول بعد از شناخت عوامل سازنده سبک زندگی، رابطه بین شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و نظام اشیای خانگی مورد بررسی قرار گرفت. مشخص گردید شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی طبقات مختلف اجتماعی رابطه معناداری با نظام اشیای مورد استفاده در مسکن دارد که می‌تواند تحت تأثیر ابعاد مختلف سبک زندگی قرار گیرد.

مرحله دوم تحقیق رابطه میان شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و نظام اشیا ذهنی را مورد ارزیابی قرار داد. این یافته‌ها حاکی از آن بودند که "ساختار خانواده" و "الگوی های بومی" دارای بیشترین رابطه مثبت و معنادار با اشیا ذهنی هستند. نوع ساختار خانواده و وابستگی آن‌ها به الگوهای بومی و قدیمی که منتج از فرهنگ خانواده و فرد می‌باشد، تأثیر مستقیمی بر انتخاب نظام ذهنی اشیا خانه دارد. به‌طور مثال علایق فرد یا خانواده به رسومات کهن، عقاید بومی و اعتقادی، نوع مصرف فرهنگی در تقابل سنت و مدرنیته، میزان اهمیت به جایگاه افراد در خانواده و بسیاری عوامل دیگر می‌توانند بر نظام اشیا ذهنی در مسکن تاثیر داشته باشند.

در مرحله آخر تحقیق نیز رابطه میان شاخصه های شکل دهنده سبک زندگی و نظام اشیا کارکردی مورد بررسی قرار گرفت. طبق تحلیل‌ها به نظر می‌رسد که "مد" و آنچه به‌عنوان الگوی همگانی در یک جامعه فراگیر می‌شود می‌تواند نقش زیادی در نظام اشیا کارکردی خانه داشته باشد. این سلیقه همگانی می‌تواند در انتخاب رنگ‌ها، مبلمان، نوع چیدمان، نوع انتخاب وسایل کارکردی و موارد بسیار دیگر تأثیر بگذارد. پیروی دائمی و بدون تعقل از پدیده مُد، آشفتگی ذهنی

- of *Psychological Research*, 15(1): Pp: 64-80. (In Persian)
11. Hashemianfar, S; Hashemi, M. (2013). Expressions of Religious Secularization in Lifestyle of the Youth in Isfahan City. *Journal of Applied Sociology*, 24(1): Pp: 153-176. (In Persian)
 12. Hamidi, N; Faraji, M. (2008). Women's Lifestyle and Coverage in Tehran. *Journal of Cultural Research*, 1: Pp: 65-92. (In Persian)
 13. Rahmat Abadi, E; Aghababakhi, H. (2006). The Concept of Lifestyle and Its Scope in the Social Sciences. *Journal of Social Welfare*, 5(20): Pp: 235-256. (In Persian)
 14. Abazari, Y; Chavoshian, H. (2002). From the Social Class to the Lifestyle (New Approaches to the Sociological Analysis of Social Identity). *Social Science Letter*, 20: Pp: 3-27. (In Persian)
 15. Mahdavi Kenny, M. (2007). The Concept of Lifestyle and Its Scope in the Social Sciences. *Journal of Cultural Research*, 1(1): Pp: 199-230. (In Persian)
 16. Sobel, M. E. (1983). Lifestyle Expenditures in Contemporary America: Relations between Stratification and Culture. *American Behavioral Scientist*, 26(4), pp: 521-533.
 17. Azkia, M; Hosseini Roudbaraki, S. (2010). The Survey of Generational of Changes of Lifestyle in Rural Society (Case study: Ahangar Mahalleh village, a Ville in Gorgan). *Journal of Social Welfare*, 10 (37): pp: 241-264. (In Persian)
 18. Bakak, R. (2002). *Consumption*. Translation: Sabouri, K, Tehran:

Reference

1. Bourdieu, P. (2012). *Distinction; The Social Critique of Judgment*. Translation: Chavoshian, H, 2th edition, Tehran: Sales Publication. (In Persian)
2. T. Hall, E. (2012). *Distinction; The Hidden Dimension*. Translation: Tabibian, M, 6th edition, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
3. Mehdi Pour, H. (2015). Iranian Social Cinema and Representation of Women's Lifestyle (Case Study: Ceasefire, *Journal of Research Culture*, 8(22): pp. 133-161. (In Persian)
4. Gidden, A. (1991). *Modernity and Self-Identity*. Cambridge: polity press.
5. Gidden, A. (1994). *Beyond Left and Right, the Future of Radical Politics*. Cambridge: polity press.
6. Featherston, M. (1987). Lifestyles and Consumer Culture. *Theory, Culture and Society*, 4, pp: 55- 70.
7. Lash, S; Urry, J. (1987). *The end of organized capitalism: polity press*, University of Leicester, UK.
8. Shasti, Sh; Flamaki, MM& avahipour, M. (2017). An Explanation of the Relation between the Residential Architecture of Tehran Today and Cultural Problematic from a Sociological Point of View. *Scholarly Journal of Interdisciplinary Studies the Humanities*, 9(2): Pp: 85-106. (In Persian)
9. Plasker, E. (2007), *The 100-Year lifestyle*. Adams Media, an F+W a. publications company. U.S.A.
10. Lali, M; Abedi, A& Kajbaf, MB. (2012). Development and Validation of the Lifestyle Questionnaire. *Journal*

22. Azkia, M; Hosseini Roudbaraki, S. (2010). The Survey of Generational of Changes of Lifestyle in Rural Society (Case study: Ahangar Mahalleh village, a Ville in Gorgan). *Journal of Social Welfare*, 10 (37): pp: 241-264. (In Persian)
23. Bourdieu, J. (2016). *The Object System*. Translation: Izadi, P, 4th edition, Tehran: Sales Publication. (In Persian)
- Nashr VA Pajuhesh Publication. (In Persian)
19. Tavasoli, GA. (1994). *Sociological Theories*. Tehran: Samt Publication. (In Persian)
20. Ahmadi Manesh, H. (2012). Investigating lifestyle and consumption ratios. *Social Science Month Book*, 60: Pp: 19-24. (In Persian)
21. Goshbar, F. (2005), *Social Class and Lifestyle*. Masters Degree in Sociology, University of Tehran. (In Persian)